

با سلام و درود پیشگاه داوطلبین محترم؛ جزوه تهیه شده بخشی از کتاب شرح روان قوانین خاص می‌باشد که به سبب تغییرات عمده در قانون دیوان عدالت اداری تدوین و در چاپ جدید کتاب با قانون سابق جا به جا گردید. به سبب همیت مطالعه قانون جدید و نیاز مبرم داوطلبین به یک منبع؛ این بخش به صورت جزوه در اختیار عموم داوطلبین عزیز قرار میگیرد تا بخشی از وظیفه اجتماعی را بدین شکل محقق نموده باشیم. حقوق معنوی این اثر برای مولف باقی است و خواهشمند است از فروش جزوه در سایت ها و کانال های مجازی به جد خودداری نمایید. با احترام مهدی شگری

۱- **شعب بدوی دیوان:** (رسیدگی با یک قاضی) رسیدگی بدوی به پرونده‌ها در صلاحیت شعب بدوی است. اصل بر صلاحیت شعب بدوی است.

۲- **شعب تجدیدنظر:** (رسیدگی با ۳ قاضی) مرجع تجدیدنظر از آرای صادره از شعب بدوی است.

۳- **هیأت عمومی دیوان عدالت اداری:** (متشکل از دو سوم از قضات شعب بدوی و تجدیدنظر با ریاست رئیس دیوان عدالت اداری یا معاون قضایی ایشان - ملاک صدور رای: نظر اکثریت قضات حاضر در جلسه) به برخی از پرونده‌های خاص و ویژه رسیدگی می‌نماید. (صلاحیت م ۱۲)

ساختار دیوان  
عدالت اداری

**نکته ۱:** هر شعبه بدوی دیوان از یک رئیس یا دادرس علی‌البدل و هر شعبه تجدیدنظر از یک رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود. شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت می‌یابد و ملاک صدور رای، نظر اکثریت است. آراء شعب تجدیدنظر دیوان قطعی است (م ۳ ق.د.ع.ا).

**نکته ۲:** چنانچه جلسه شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت یابد و هنگام صدور رای اختلاف نظر حاصل شود، یک عضو مستشار توسط رئیس دیوان به آنان اضافه می‌شود. در صورت عدم حضور رئیس شعبه تجدیدنظر، اداره شعبه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد (اصلاحی ۱۴۰۲)

**نکته ۳:** قضات دیوان با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند و باید دارای **هفت سال** سابقه کار قضائی باشند. رئیس دیوان عدالت اداری می‌تواند قضات واجد شرایط را به رئیس قوه قضائیه پیشنهاد نماید (ماده ۴ ق.د.ع.ا - اصلاحی ۱۴۰۲)

**نکته ۴:** دیوان می‌تواند جهت اعلام نظر در امور تخصصی، حسب مورد از کارشناسانی در رشته‌های مختلف که **دارای مدرک کارشناسی با حداقل ده سال سابقه یا دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد با حداقل پنج سال سابقه**

در رشته مورد نیاز می‌باشند، بدون ایجاد تعهد استخدامی استفاده نماید (ماده ۷ - اصلاحی ۱۴۰۲)

**نکته ۵:** واحد اجرای احکام دیوان زیر نظر رئیس دیوان یا معاون وی، انجام وظیفه می‌نماید که از تعداد کافی، دادرس اجرای احکام، مدیر دفتر و کارمند برخوردار است (م ۵ ق.د.ع.ا).

## "صلاحیت دیوان عدالت اداری"

### الف - صلاحیت شعب بدوی:

۱- رسیدگی به شکایات مردم از اقدامات و تصمیمات واحدهای دولتی (در مقام اعمال حاکمیت)

۲- رسیدگی به شکایات مردم از اقدامات و تصمیمات مأمورین واحدهای دولتی (راجع به اختیارات)

۳- رسیدگی به شکایات قضات و مضمولان قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مستخدمان واحدها و موسسات از دولت راجع به حقوق استخدامی.

### صلاحیت شعب بدوی دیوان

**نکته ۱:** اختلافات مردم با نهادهای دولتی در خصوص تصمیماتی که در حوزه تصدی گری اتخاذ می‌نمایند در صلاحیت دادگاه عمومی است.

**نکته ۲:** رسیدگی به دعاوی مطالبه خسارت در صلاحیت دادگاه عمومی است؛ لیکن در مواردی که مطالبه خسارت ناشی از تخلف در اجرای وظایف قانونی و اختصاصی یا ترک فعل از انجام وظایف مذکور از سوی واحدهای دولتی یا دستگاه‌های مذکور در بندهای (۱) و (۲) این ماده و مأمورین واحدها و دستگاه‌های یادشده باشد، موضوع در دیوان عدالت اداری مطرح و شعبه دیوان ضمن رسیدگی به احراز وقوع تخلف نسبت به اصل مطالبه خسارت و تعیین خسارت وارده اقدام نموده و حکم مقتضی صادر می‌نماید (تبصره ۱ ماده ۱۰ - اصلاحی ۱۴۰۲)

**نکته ۳:** تصمیمات و آراء دادگاهها و سایر مراجع قضائی دادگستری و نظامی و دادگاههای انتظامی قضات دادگستری و نیروهای مسلح قابل شکایت در دیوان عدالت اداری نمی‌باشد.

**نکته ۴:** رسیدگی به شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی از وقوع تخلف و عدم رعایت قوانین و مقررات در مراحل انعقاد قرارداد توسط دستگاه‌های اجرائی در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری است، لیکن رسیدگی به دعاوی ناشی از اجرای قرارداد فی مابین طرفین در صلاحیت دیوان نیست.

۱- شکایت از وقوع تخلف و عدم رعایت قوانین و مقررات در مراحل انعقاد قرارداد: در صلاحیت شعب بدوی دیوان	} رسیدگی به اختلافات ناشی از قرارداد با دستگاه‌های اجرائی (تبصره ۳ م ۱۰ - الحاقی)
۲- رسیدگی به دعاوی ناشی از اجرای قرارداد فی مابین طرفین: در صلاحیت محاکم قضایی است	

**نکته ۵:** در صورتی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت، موجب تضییع حقوق اشخاص شده باشد، شعبه رسیدگی کننده، حکم بر نقض رای یا لغو اثر از تصمیم و اقدام مورد شکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق تضییع شده، صادر می‌نماید.

**نکته ۶:** پس از صدور حکم و قطعیت آن بر اساس این ماده، مرجع محکوم‌علیه علاوه بر اجرای حکم، مکلف است در موارد مشابهی که با حکم صادره وحدت موضوع دارد، مفاد حکم صادره را در تصمیمات و اقدامات بعدی خود رعایت کند، مشروط بر اینکه با تشخیص رئیس دیوان، رأی معارض قطعی با آن، توسط همان شعبه یا شعب دیگر صادر نشده باشد (تبصره م ۱۱ اصلاحی).

**نکته ۷:** صدور حکم اصلاحی، رفع ابهام و اشکال، دستور اجرای حکم و هرگونه اقدامی که مستلزم تصمیم‌گیری مجدد است، به عهده شعبه صادرکننده رای قطعی است. (ماده ۱۵ اصلاحی ۱۴۰۲)

فصل سوم- هیات عمومی دیوان عدالت اداری:



ب- صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری





- ۱- رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضائیه
- ۲- رسیدگی به آیین نامه‌ها بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه
- ۳- مصوبات و تصمیمات شورا نگهبان، مصوبات و تصمیمات مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ۴- مصوبات و تصمیمات مجلس خبرگان رهبری
- ۵- شورای عالی امنیت ملی
- ۶- مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی
- ۷- شورای عالی فضای مجازی

ممنوعیت های  
هیات عمومی  
دیوان

**نکته ۱:** رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضائیه و صرفاً آیین نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی از صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خارج است.

**نکته ۲:** رسیدگی به مصوبات و تصمیمات زیرمجموعه‌های شوراهای عالی انقلاب فرهنگی از قبیل هیأت (کمیسیون)ها، کارگروه (کمیته)ها، شوراها و ستادها در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار می‌گیرد.

۱- اصل: اصل بر این است که ابطال مصوبات از تاریخ صدور رأی هیات عمومی موثر است.

۲- استثنائات: در دو مورد ابطال مصوبه از تاریخ صدور آن خواهد بود: ۱- مصوبه به سبب خلاف شرع

بودن باعث شود ۲- صدور هیات عمومی جهت تصحیح حقوق اشخاص اثر ابطال را به تاریخ صدور مصوبه

اعاده داده باشد

اثر ابطال  
مصوبات توسط  
هیات عمومی

(م ۱۳)

### اختلاف در صلاحیت دیوان عدالت اداری با سایر مراجع:

۱- مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی، دیوان عالی کشور است. شعبه رسیدگی کننده در دیوان عالی کشور پس از اخذ نظر مشورتی نماینده قضائی رئیس دیوان که از بین قضات دیوان عدالت اداری انتخاب می شود، در موضوع، اتخاذ تصمیم می کند. نماینده مذکور مکلف است ظرف یک ماه از زمان درخواست، نظر مشورتی خود را اعلام کند. در صورت عدم اعلام نظر مشورتی، شعبه دیوان عالی کشور مجاز به اتخاذ تصمیم است. (ماده ۱۴).

۲- در موارد اختلاف در صلاحیت، بین شعب بدوی و تجدیدنظر، رأی شعبه تجدیدنظر و در موارد اختلاف بین شعب و هیأت عمومی، نظر هیأت عمومی متبع است (ماده ۱۴ اصلاحی ۱۴۰۲)

۲- هر گاه رسیدگی به شکایت در صلاحیت سایر مراجع قضائی باشد، شعبه دیوان با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مرجع مذکور ارسال می کند. این قرار قطعی است (م ۴۸ اصلاحی ۱۴۰۲)

۳- در صورتی که دیوان عدالت اداری رسیدگی به شکایت را در صلاحیت مراجع غیرقضائی بداند، مبادرت به صدور قرار رد شکایت نموده و شاکی را به مرجع صالح دلالت می کند.

### "ترتیب رسیدگی در دیوان عدالت اداری"

در خصوص ترتیب رسیدگی در دیوان عدالت اداری توجه به این نکات مهم و ضروری است:

۱- شروع به رسیدگی در دیوان عدالت اداری مستلزم تقدیم دادخواست است (بدوی - تجدیدنظر - هیات عمومی). شرایط دادخواست و ضمانت اجرای آن مطابق با شرایط دادخواست در آیین دادرسی مدنی است.

- مهلت تقدیم دادخواست (ماده ۱۶)
- ۱- مهلت شکایت از اقدامات و تصمیمات واحدهای دولتی و مأمورین واحدهای دولتی: ظرف ۶ ماه از تاریخ ابلاغ تصمیم
  - ۲- مهلت شکایت مأمورین واحدهای دولتی راجع به حقوق استخدامی: ظرف ۶ ماه از تاریخ ابلاغ
  - ۳- شکایت از آرای قطعی صادره از مراجع اداری: ظرف ۳ ماه از تاریخ ابلاغ رای قطعی یا قطعیت رای.

- طرح دعاوی عمومی
- ۱- ذینفع در شکایت: دادستانی کل کشور، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور در حدود اختیارات قانونی خود.
  - ۲- موضوع شکایت: موضوعاتی موجب تضییع حقوق عمومی و قانوناً در صلاحیت دیوان است.
  - ۳- هزینه دادرسی: ندارد
  - ۴- حق تجدیدنظرخواهی از رأی صادره: دارند.

- طرح دعاوی توسط سازمان‌های مردم‌نهاد (تبصره ماده ۲ الحاقی ۱۷ (۱۴۰۲)
- ۱- ذینفع در شکایت: سازمان‌های مردم‌نهادی که موضوع فعالیت آنها در زمینه حمایت از حقوق عامه از قبیل...
    - ۱- امر به معروف و نهی از منکر
    - ۲- محیط زیست
    - ۳- منابع طبیعی
    - ۴- میراث فرهنگی
    - ۵- بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی
  - ۲- موضوع شکایت: در خصوص موضوعات مربوط به فعالیتشان
  - ۳- جهت شکایت: غیرقانونی بودن تصمیمات و اقدامات یا خودداری از انجام وظیفه که موجب تضییع حقوق عمومی است.



۴- حق تجدیدنظرخواهی از آراء: دارند.

**نکته:** دستگاه‌ها و مأمورین واحدهای دولتی و مراجع اداری این قانون مکلفند هر گونه تصمیم و اقدام قطعی خود را که در مورد اشخاص ذینفع اتخاذ می‌نماید، به آنها ابلاغ کنند. در مواردی که اشخاص ذینفع تقاضای انجام امر اداری یا خودداری از انجام آن را دارند، ابتدا باید تقاضای خود را به دستگاه مربوط ارائه دهند و آن دستگاه مکلف است ضمن ثبت درخواست و ارائه رسید، حداکثر ظرف سه ماه به صورت کتبی پاسخ قطعی را (نفیاً یا اثباتاً) به ذینفع ابلاغ نماید مگر اینکه در سایر قوانین ظرف زمانی معینی برای پاسخگویی دستگاه‌ها و مأمورین مذکور مشخص شده باشد یا فوریت موضوع، اقتضای زمان کوتاه‌تری را داشته باشد.

**نکته:** چنانچه به تشخیص رئیس دیوان، موضوعات جدیدی مطرح و مورد شکایت قرار گیرد که پیش بینی می‌شود اشخاص متعدد دیگری نیز شکایت مشابه آن را مطرح نمایند یا دارای ابعاد گسترده اداری یا اجتماعی می‌باشد؛ موضوع همزمان با ارجاع به شعب، به گروهی از کارشناسان متخصص یا هیأت تخصصی مربوط جهت بررسی مقدماتی و ارائه نظریه مشورتی ارجاع می‌شود تا حداکثر ظرف یک ماه اعلام نظر نمایند و شعب رسیدگی کننده با ملاحظه نظریه مشورتی مذکور نسبت به صدور رأی اقدام کنند. عدم اعلام نظریه مشورتی در مهلت مقرر مانع از صدور رأی پس از خاتمه مهلت نیست.

۲- پس از ارجاع دادخواست به شعبه، مدیر دفتر شعبه آن را پس از تکمیل بلافاصله در اختیار قاضی شعبه قرار می‌دهد. قاضی شعبه دیوان در صورت احراز صلاحیت و کامل بودن پرونده، آن را با صدور دستور ارسال یک نسخه از دادخواست و ضمائم آن به طرف شکایت، به دفتر اعاده می‌کند تا پس از ابلاغ دادخواست و ضمائم آن به طرف شکایت، در جریان رسیدگی قرار گیرد (ماده ۲۹)

۳- طرف شکایت موظف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، نسبت به ارسال پاسخ اقدام کند. عدم وصول پاسخ، مانع رسیدگی نیست و شعبه با توجه به مدارک موجود، به پرونده رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

۴- در صورتی که طرف شکایت بدون عذر موجه از دادن پاسخ در موعد مقرر در این ماده خودداری نماید شعبه رسیدگی کننده، متخلف را به سه ماه تا یک سال انفعال از خدمت محکوم می‌نماید. این حکم ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر است.

۵- اگر به موجب یک دادخواست شکایات متعددی اقامه شود که با یکدیگر ارتباط نداشته باشند و شعبه نتواند ضمن یک دادرسی به آنها رسیدگی کند، ظرف پنج روز لزوم تفکیک دادخواست را طی اخطاریه‌ای به شاکی یا شاکیان اعلام می‌کند. شاکی یا شاکیان از تاریخ ابلاغ اخطاریه ده روز فرصت تفکیک یا تعیین موضوع را دارند. در صورت عدم

تفکیک یا تعیین موضوع مورد شکایت، مدیر دفتر شعبه بر اساس ماده (۲۸) این قانون قرار رد دادخواست صادر می‌کند. قرار رد صادره مانع از طرح مجدد شکایت نیست. چنانچه طرح شکایت مجدد مستلزم رعایت زمان مشخص باشد، باقیمانده مهلت مقرر، از زمان ابلاغ قرار مدیر دفتر، محاسبه می‌شود.

۱- جهت تفکیک: شاکی شکایت های متعددی را در یک دادخواست مطرح نماید که:	۱- بین آنها ارتباط بوده و دیوان بتواند به همه آنها یکجا رسیدگی نماید: به همه شکایات توأمان رسیدگی می‌نماید.
۲- تکلیف شاکی: ظرف ۱۰ روز باید دعاوی را تفکیک یا تعیین موضوع نمایند	۲- بین آنها ارتباط وجود ندارد یا شعبه دیوان نتواند به همه آنها یکجا رسیدگی نماید: ظرف ۵ روز به شاکی یا شاکیان اخطار می‌نماید.
۳- ضمانت اجرا: مدیر دفتر شعبه قرار رد دادخواست صادر می‌نماید. قرار رد صادره مانع از طرح مجدد شکایت نیست. چنانچه طرح شکایت مجدد مستلزم رعایت زمان مشخص باشد، باقیمانده مهلت مقرر، از زمان ابلاغ قرار مدیر دفتر، محاسبه می‌شود.	۲- دیوان عدالت اداری: وجود مبنا و منشاء واحد بین شکایات
تفکیک دعاوی از یکدیگر (ماده ۳۱ اصلاحی ۱۴۰۲)	طرح شکایات متعدد توسط شاکیان متعدد (ماده ۳۲)

**نکته ۱:** در صورتی که شکایات متعدد توسط شاکیان در یک دادخواست مطرح گردد که منشاء و مبنای واحدی داشته باشند، شعبه دیوان نسبت به همه موارد ضمن یک دادرسی، اتخاذ تصمیم می‌نماید. در غیر این صورت، مطابق مفاد ماده قبل موارد به تفکیک و جداگانه رسیدگی می‌شود.

**نکته ۲:** شاکیان در صورتی که بیش از پنج نفر باشند، می‌توانند در دادخواست، نماینده ای را از میان خود جهت امر ابلاغ و اخطار، به شعبه دیوان معرفی نمایند.

**نکته ۳:** موضوع شکایت و خواسته باید صریح و منجز باشد. در صورت وجود ابهام به تشخیص شعبه، مراتب طی اخطاریه‌ای به شاکی اعلام می‌گردد و شاکی مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه، نسبت به رفع ابهام اقدام کند. در غیر این صورت، شعبه نسبت به قسمت مبهم، قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید.

**نکته ۴:** در صورتی که محتوای شکایت و دادخواست مطروحه در شعبه دیوان، حاوی مطالبی علیه شخص ثالث نیز باشد، این امر مانع رسیدگی شعبه به پرونده نیست.

**نکته ۵:** در صورتی که شعبه دیوان از فوت یا محجور شدن شاکی یا زوال سمت نماینده قانونی او مطلع شود، تا تعیین و معرفی قائم مقام قانونی متوفی یا محجور، قرار توقف دادرسی صادر و مراتب از طریق دفتر شعبه به نشانی شاکی اعلام می‌شود (ماده ۵۲).

**نکته ۶:** شعبه دیوان پس از رسیدگی و تکمیل تحقیقات، ختم رسیدگی را اعلام و ظرف یک هفته مبادرت به انشاء رای می‌نماید (م ۵۸).

**نکته ۷:** شعب دیوان مکلفند در مورد هر شکایت، به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام و کلی، حکم صادر کنند. (م ۶۰)

**نکته ۸:** دادنامه پس از صدور، ثبت می‌شود و رونوشت آن ظرف پنج روز برای ابلاغ به طرفین ارسال میگردد (ماده ۶۱).

### "دستور موقت در دیوان عدالت اداری"

- ۱- اقدامات یا تصمیمات یا آرای قطعی یا خودداری از انجام وظیفه از سوی طرف شکایت برخلاف شرع، خلاف قانون، خارج از حدود صلاحیت، سو استفاده از اختیارات، خودداری از انجام وظایف قانونی، عدم رعایت قوانین و مقررات می‌باشد.
- ۲- اجرای آنها سبب ورود خسارتی می‌گردد که جبران آن غیرممکن یا متعسر است

جهات صدور دستور موقت: شاکی مدعی است که:

- ۱- شکایت در مرحله بدوی است: شعبه بدوی
- ۲- شکایت در مرحله تجدیدنظر است: شعبه تجدیدنظر
- ۳- شکایت در هیات عمومی است: رئیس و در غیاب وی نایب رئیس هیأت تخصصی مربوط.

مرجع صدور دستور موقت

- نکته ۱:** موعد درخواست دستور موقت در دیوان عدالت اداری: ۱- حین شکایت ۲- پس از شکایت تا قبل از صدور رأی.
- نکته ۲:** دستور موقت در دیوان عدالت اداری هزینه دادرسی ندارد و در عین حال مستلزم پرداخت خسارات احتمال نیست.
- نکته ۳:** مرجع رسیدگی به تقاضای صدور دستور موقت، شعبه‌ای است که به اصل شکایت رسیدگی می‌کند و مرجع رسیدگی‌کننده طی دادرسی فوری، در صورت احراز ضرورت و فوریت موضوع، بر حسب مورد، دستور موقت مبنی بر توقف اجرای اقدامات، تصمیمات و آرای مورد شکایت یا انجام وظیفه صادر می‌کند.
- نکته ۴:** شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت، نسبت به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رای مقتضی صادر نماید.
- نکته ۵:** دستور موقت تاثیری در اصل شکایت ندارد و در صورت ردّ شکایت یا صدور قرار سقوط شکایت یا صدور قرار ابطال یا رد دادخواست اصلی و یا حکم به عدم ابطال مصوبه و قطعیت رأی صادره، دستور موقت نیز لغو می‌شود.
- نکته ۶:** تقاضای صدور دستور موقت قبل از اتخاذ تصمیم شعبه، مانع اجرای تصمیمات قانونی مراجع اداری این قانون نیست.
- نکته ۷:** اجرای دستور موقت صادره از شعب دیوان منوط به تأیید رئیس دیوان است که حداکثر ظرف یک هفته از زمان وصول باید نظر خود را اعلام نماید. در صورت عدم اظهارنظر در مهلت مذکور دستور موقت صادره لازم‌الاجراء است (تبصره ۲ الحاقی به ماده ۳۵ مصوب ۱۴۰۲)

۱- رد شکایت اصلی

۲- صدور قرار سقوط شکایت

۳- صدور قرار ابطال دادخواست

۴- صدور قرار رد دادخواست

۵- حکم به عدم ابطال مصوبه و قطعیت رأی صادره

۶- در صورت حصول دلایلی مبنی بر عدم ضرورت ادامه اجرای دستور موقت

موارد لغو دستور موقت در دیوان  
عدالت (م ۳۵ و ۴۰ اصلاحی)

- ۱- صدور لغو دستور موقت: به هر دو طرف ابلاغ میگردد.  
۲- رد درخواست دستور موقت: فقط به شاکی ابلاغ میگردد.

ابلاغ دستور  
موقت

- ۱- دستور موقت رد شود: رسیدگی به پرونده‌ها طبق اوقات عادی انجام می‌شود.  
۲- دستور موقت قبول شود: رسیدگی به پرونده‌های شعب بدوی، تجدیدنظر هیات های تخصصی و هیات عمومی دیوان عدالت اداری در وقت خارج از نوبت صورت میگیرد.

اثر دستور  
موقت بر شیوه  
رسیدگی (م  
۳۷ اصلاحی)

### "ضرورت حضور طرفین در زمان رسیدگی"

- ۱- اصل: اصل بر این است که رسیدگی شعب دیوان بدون حضور طرفین صورت میگیرد.  
۲- استثناء: در مواردی که شعبه دیوان نیاز به اخذ توضیح داشته باشد، طرفین را دعوت می‌نماید. در این صورت مکلف به حضور و ادای توضیح می‌باشند.

- ۱- عدم ارائه توضیح از سوی شاکی: در این صورت:  
الف- اگر دیوان بتواند با اخذ توضیح از طرف شکایت در ماهیت امر رای صادر نماید: دیوان اقدام به صدور رای ماهوی خواهد کرد.  
ب- شعبه دیوان حتی با اخذ توضیح از طرف شکایت نتواند در ماهیت شکایت، رای صادر نماید: قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید.

۳- ضمانت اجرای عدم

حضور طرفین  
در زمان  
رسیدگی (ماده  
۴۳)

**نکته:** عدم تعیین نماینده توسط طرف شکایت یا عدم حضور شخص معرفی شده در مهلت اعلام شده از سوی شعبه دیوان، موجب انفصال موقت از خدمات دولتی از دو ماه تا یک سال است.

۱- **متقاضی ارسال:** ۱- رئیس دیوان عدالت اداری ۲- شعب بدوی یا تجدیدنظر دیوان

۲- **نهادهای موظف به ارسال:** کلیه واحدهای دولتی، شهرداری‌ها و سایر موسسات عمومی و ماموران آنها

۱- امکان ارسال اسناد و مدارک لازم ممکن باشد: مکلف است ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ اسناد و مدارک مربوط را به شعبه دیوان ارسال نماید.  
۲- امکان ارسال اسناد وجود ندارد: دلایل آن را به دیوان اعلام کنند.

۳- **تکلیف نهادهای مزبور:**

ارسال اسناد و مدارک از ادارات و نهادهای دولتی به دیوان عدالت اداری (ماده ۴۴ اصلاحی)

۴- **ضمانت اجرای عدم ارسال مدارک و اسناد:** مستنکف، به حکم شعبه به انفصال موقت از خدمات دولتی از یک ماه تا یک سال یا کسر یک سوم حقوق و مزایا به مدت سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود. این حکم ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر است.

**نکته:** مجازات اداری مقام مستنکف، حسب مورد مانع اختیار دیوان برای اقدام مقتضی در جهت دستیابی به دلایل و مدارک مورد نیاز یا صدور رای طبق مدارک و قرائن موجود در پرونده نیست. مطالبه اسناد طبقه‌بندی شده مطابق مقررات مربوط صورت می‌گیرد.

### "استرداد دادخواست در دیوان"

۱- **استرداد دادخواست:** شاکی حق دارد تا قبل از وصول پاسخ از سوی طرف شکایت، دادخواست خود را استرداد نماید. در این صورت شعبه دیوان "قرار ابطال دادخواست" صادر می‌نماید.

۲- **انصراف از شکایت به صورت کلی:** شاکی حق دارد تا قبل از ختم رسیدگی از شکایت خود به صورت کلی صرف نظر نماید. در این صورت دیوان قرار سقوط شکایت را صادر می‌نماید که دارای اعتبار امر قضاوت شده است و طرح مجدد شکایت را برای شاکی غیرممکن می‌سازد.

۳- **استرداد دادخواست تجدیدنظر یا انصراف از دعوی تجدیدنظر:** قرار سقوط شکایت صادر می‌گردد و تجدیدنظرخواهی مجدد غیرممکن است (تبصره ماده ۴۶ الحاقی ۱۴۰۲)

استرداد

مواد ۴۵ و ۴۶

۱- **بدوی:** ممکن نیست

۲- **تجدیدنظر:** ممکن نیست

۳- **فرجام خواهی:** به تشخیص رئیس دیوان عالی کشور یا رئیس

آیین دادرسی مدنی:	رسیدگی خارج از نوبت: م ۴۷
دیوان عدالت اداری	
۱- هم در شعبه بدوی هم در شعبه تجدیدنظر ممکن است.	
۲- تشخیص: رئیس شعبه یا رئیس دیوان عدالت اداری	

۱- قبل از ارسال دادخواست و ضمایم به طرف شکایت: در هر حال ممکن است حتی اگر اصلاح خواسته، موجب تغییر خواسته شود.	اصلاح خواسته توسط شاکی (ماده ۴۹)
۲- پس از ارسال دادخواست و ضمایم به طرف شکایت: در صورتی ممکن است که:	
۱- اصلاح خواسته موجب تغییر ماهوی خواسته نشده باشد.	
۲- شعبه دیوان بتواند بدون نیاز به تجدید ارسال دادخواست بر اساس دادخواست فعلی رسیدگی کند.	

- ۱- موارد صدور: رسیدگی به شکایت منوط بر احراز موضوعی باشد که در صلاحیت دیوان عدالت اداری نیست.
- ۲- واکنش دیوان: با صدور قرار اناطه رسیدگی به پرونده را متوقف می‌نماید و به ذینفع اخطار می‌نماید نسبت به انجام وظیفه اقدام نماید.
- ۳- وظیفه ذینفع: ظرف یکماه از تاریخ اخطار نسبت به طرح موضوع در مرجع صالح اقدام نموده و رسید آن را به دفتر شعبه دیوان تقدیم نماید.

قرار اناطه در  
دیوان عدالت  
اداری



- ۱- ذینفع نسبت به انجام  
وظیفه اقدام نماید: شعبه  
دیوان رسیدگی خود را روشن  
شدن موضوع در مرجع صالح  
متوقف می نماید. پس از تعیین  
تکلیف در مرجع صالح، دیوان با  
در نظر گرفتن آن نسبت به  
اتخاذ تصمیم اقدام می نماید.
- ۴- ضمانت  
اجرا:
- ۱- ذینفع شاکی است: قرار رد  
شکایت
- ۲- ذینفع طرف شکایت است:  
ادامه رسیدگی
- ۲- ذینفع نسبت به انجام  
وظیفه اقدام ننماید:  
شعبه دیوان تصمیم مقتضی را  
اتخاذ می نماید:

**نکته:** هرگاه شاکی و یا طرف شکایت اخذ توضیح از هر شخص حقیقی یا حقوقی را درخواست نماید و شعبه دیوان نیز آن را موثر در کشف حقیقت بداند نسبت به اخذ توضیح اقدام می نماید. شعبه دیوان می تواند رأساً نیز نسبت به اخذ توضیح از سایر اشخاص اقدام نماید (م ۵۶)

- ۱- آیین دادرسی مدنی: دعاوی واحد باشند یا بین آنها ارتباط  
کامل وجود داشته باشد (با تشخیص رئیس حوزه قضایی)
- ۲- در دیوان عدالت اداری: شکایات دارای موضوع واحد  
باشند یا بین آنها ارتباط وجود داشته باشد (با تشخیص رئیس
- تجمیع پروندهها  
در شعبه واحد

## "ايرادات شكلی در ديوان عدالت اداری"

**نکته ۱:** جهات ایراد شکلی در دیوان عدالت اداری:

- الف - شاکی برای طرح شکایت، اهلیت قانونی نداشته باشد.
- ب - شاکی در شکایت مطروحه ذینفع نباشد.
- پ - شکایت متوجه طرف شکایت نباشد.
- ت - شکایت خارج از موعد قانونی، مطرح شده باشد.
- ث - شکایت طرح شده از حیث موضوع قبلاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوی، قائم مقام آنان هستند، رسیدگی و حکم قطعی نسبت به آن صادر شده باشد.
- ج - موجبات رسیدگی به شکایت، منتفی شده باشد.

**نکته ۲:** در صورت پذیرش ایراد از سوی دیوان، قرار رد شکایت صادر می‌گردد.

۱- طرح دعوای جلب ثالث از سوی شاکی: ضمن دادخواست یا

نهایتاً ظرف ۳۰ روز پس از ثبت دادخواست.

۲- طرح دعوای جلب ثالث توسط طرف شکایت: ضمن پاسخ به

دادخواست شکایت اصلی باید دادخواست جلب ثالث تقدیم شود.

۱- دعوای جلب

ثالث:

دعوای جلب ثالث

و ورود ثالث در

دیوان (مواد ۵۴-

۵۵)

۲- ورود ثالث: شخص ثالث که مایل به ورود است باید دادخواست خود را تا قبل از صدور

رای تقدیم نماید. در صورتی که دادخواست پس از صدور رای تقدیم شود، نسبت بدان

رسیدگی مستقل بعمل می‌آید.

۱- دادخواست ورود ثالث تا قبل از صدور رأی مرحله بدوی تقدیم شود: شعبه دیوان به ورود ثالث همزمان با شکایت اصلی رسیدگی کرده و رأی واحد صادر می‌نماید.

ضمانت اجرای

تقدیم دادخواست

ورود ثالث در موعد

۱- از رأی صادره تجدیدنظرخواهی شده است:

دادخواست ورود ثالث همراه با پرونده راجع به دعوای اصلی به مرجع تجدیدنظر ارسال می‌گردد تا در آن مرجع مورد رسیدگی واقع شود.

۲- دادخواست ورود ثالث

پس از صدور رأی بدوی

تقدیم شود:

۲- از رأی صادره تجدیدنظرخواهی نشده است:

قرار رد دادخواست ورود ثالث صادر می‌شود.

۱- آرا قابل اعتراض ثالث: هر رأیی که از شعب (بدوی- تجدیدنظر) دیوان صادر می‌گردد

قابل اعتراض ثالث است، اعم از اینکه قطعی شده باشد یا خیر.

۲- ذینفع در اعتراض: هر شخص حقیقی یا حقوقی غیر از طرفین شکایت.

۳- مرجع اعتراض ثالث: شعبه صادر کننده رأی (اعم از بدوی یا تجدیدنظر).

۴- مهلت اعتراض ثالث: ظرف دو ماه از تاریخ اطلاع از رأی.

۵- تشریفات: تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی.

اعتراض ثالث

نسبت به آرای

صادر از شعب

دیوان (م ۵۷)

**نکته:** در صورتی که رأی مربوط به شعبه تجدیدنظر باشد، قطعی و در صورتی که از شعبه بدوی صادر شده باشد، قابل تجدیدنظر است.

**نکته:** در صورتی که احراز شود ثالث، معاذیر قانونی یا شرعی داشته است، مدت زمان معذوریت به مهلت دو ماه مذکور در این ماده، اضافه می‌شود (تبصره الحاقی ۱۴۰۲)

**نکته:** در مواردی که اجرای رأی مورد اعتراض ثالث، موجب ورود خسارت غیرقابل جبران شود؛ شعبه رسیدگی کننده به اعتراض ثالث می‌تواند با تقاضای معترض و با موافقت رئیس دیوان، دستور توقف اجرای حکم مورد اعتراض را تا رسیدگی و صدور حکم قطعی صادر کند.

۱- رأی واجد ایراد و اشکال قانونی نباشد: رأی صادره تأیید می‌شود.

۲- دیوان جز سهو قلم ایراد و اشکال دیگری در رأی ملاحظه نمی‌کند: رأی صادره را با اصلاح سهو قلم تأیید می‌نماید.

۳- موجبی برای رسیدگی در مراجع مذکور وجود نداشته باشد یا موضوع مورد رسیدگی منتفی شده یا از مصادیق تخلف نباشد: نقض بلاارجاع میگردد

۴- به تشخیص دیوان مرجع رسیدگی کننده صلاحیت رسیدگی به موضوع را نداشته است: رأی را نقض و ضمن تعیین مرجع صلاحیتدار، مرجع رسیدگی کننده را موظف می‌کند موضوع را ظرف مدت یک هفته به مرجع دارای صلاحیت ارسال کند.

۵- دیوان تحقیقات را ناقص می‌داند یا ایراد شکلی موثر در پرونده مشاهده می‌کند: با

تصمیم  
نهایی دیوان  
نسبت به  
شکایت  
(ماده ۶۳)

ذکر تمام جهات و دلایل قانونی، رأی صادره را نقض و موضوع را جهت رسیدگی مجدد به آن

### "تجدیدنظرخواهی از آرای شعب بدوی دیوان"

- ۱- مرجع تجدیدنظر: شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.
- ۲- آرای قابل تجدیدنظر: تمامی آرای صادره از شعب بدوی.
- ۳- مهلت تجدیدنظرخواهی: برای اشخاص مقیم ایران ۲۰ روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور ظرف ۲ ماه از تاریخ ابلاغ رأی بدوی.
- ۴- اشخاص ذینفع: طرفین رأی بدوی، قائم مقام، وکیل یا نمایندگان قانونی ایشان.

آیین دادرسی

تجدیدنظرخواهی

(مواد ۶۵-۶۶)

۱- در دادخواست نام، نام خانوادگی و اقامتگاه تجدیدنظر خواه مشخص نیست: مدیر دفتر شعبه تجدیدنظر "پس از پایان مهلت تجدیدنظر" قرار رد دادخواست را صادر می نماید. این قرار قطعی است.

۲- دادخواست به سایر جهات ناقص است: مدیر دفتر شعبه تجدیدنظر به تجدیدنظر خواه اخطار رفع نقص صادر و ۱۰ روز به وی مهلت رفع نقص می دهد. پس از پایان مهلت: الف- دادخواست کامل شده است: ارجاع به شعب تجدیدنظر جهت رسیدگی. ب- دادخواست همچنان ناقص است: مدیر دفتر قرار رد دادخواست تجدیدنظر را صادر می نماید. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در همان شعبه دیوان است.

۳- دادخواست تجدیدنظر خارج از مهلت تقدیم شده است: خود شعبه تجدیدنظر قرار رد دادخواست را صادر می نماید. این قرار قطعی است. مگر اینکه تجدیدنظر خواه دارای عذر موجهی باشد که در این صورت شعبه تجدیدنظر به این موضوع رسیدگی خواهد کرد.

۱- اصل: در صورت کامل بودن دادخواست مدیر دفتر دادخواست را به نظر قاضی شعبه می رساند. قاضی شعبه پس از احراز کامل بودن دادخواست دستور تبادل لوایح را میدهد

۲- استثنا: در برخی از موارد پرونده بدون تبادل لوایح به مرجع تجدیدنظر ارجاع میگردد: ۱- رای صادره از نوع قرار رد شکایت باشد ۲- رأی صادره مستند به رأی وحدت رویه باشد ۳- رأی صادر مستند به رأی ایجاد رویه باشد.

ضمانت اجرای شرایط  
دادخواست تجدیدنظر  
(ماده ۶۹)

آثار کامل بودن  
دادخواست تجدیدنظر  
(تبصره الحاقی م ۶۷  
مصوب ۱۴۰۲)

### "تصمیمات شعبه تجدیدنظر"

شعبه تجدیدنظر پس از رسیدگی، ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور رأی می‌نماید. رأی شعب تجدیدنظر یکی از حالت‌های زیر است: (مواد ۶۸ تا ۷۲)

**حالت اول - شعبه تجدیدنظر موضوع را خارج از صلاحیت دیوان عدالت اداری و در صلاحیت سایر مراجع قضایی یا اداری می‌داند:** رأی صادره را نقض و در صورتی مراجع قضایی را صالح بداند با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌نماید و در صورتی مراجع قضایی غیردادگستری یا سایر مراجع اداری را صالح بداند قرار رد شکایت صادر می‌کند و شاکی را به مرجع صالح دلالت می‌دهد (ماده ۷۲ اصلاحی ۱۴۰۲)

**حالت دوم - شعبه تجدیدنظر، دادرسی رسیدگی کننده به پرونده را فاقد صلاحیت می‌داند:** رأی صادره را نقض و رسیدگی را به دادرسی صالح ارجاع می‌دهد.

**حالت سوم - شعبه تجدیدنظر تشخیص می‌دهد که دادخواست تجدیدنظر خارج از مهلت و بدون عذر موجه تقدیم شده است:** شعبه تجدیدنظر قرار رد دادخواست را صادر می‌نماید. این قرار قطعی است.

**حالت چهارم - شعبه تجدیدنظر دادخواست بدوی را ناقص می‌داند:** تجدیدنظرخواهی را متوقف نموده و به شاکی اخطار می‌دهد ظرف ۱۰ روز نسبت به تکمیل دادخواست اقدام نماید. در صورتی که دادخواست تکمیل شود: رسیدگی به تجدیدنظرخواهی ادامه می‌یابد. ب) در صورتی که دادخواست تکمیل نشود: رأی مرحله بدوی نقض و به جای آن قرار رد دعوی {شکایت} بدوی صادر می‌گردد. این قرار قطعی است.

**حالت پنجم - شعبه تجدیدنظر دادخواست دهنده بدوی را فاقد سمت می‌داند:** مستقیماً رأی بدوی را نقض و قرار رد دعوی {شکایت} بدوی را صادر می‌نماید. این قرار قطعی است.

**حالت ششم - رأی شعبه بدوی به صورت قرار است و شعبه تجدیدنظر آن را تأیید می‌نماید:** قرار قطعی است.

**حالت هفتم - رأی شعبه بدوی به صورت قرار است و شعبه تجدیدنظر آن را نقض می‌نماید:** رسیدگی مجدد به ماهیت شکایت به همان شعبه بدوی ارجاع داده می‌شود. شعبه بدوی مکلف به تبعیت است، مگر جهت دیگری برای صدور همان قرار یا قرار دیگری حادث شود (تبصره ۱ ماده ۷۲ الحاقی ۱۴۰۲)

**حالت هشتم - رأی صادر حکم است و شعبه تجدیدنظر آن را تأیید می‌نماید:** حکم قطعی و لازم الاجراست.

**حالت نهم - رأی صادره حکم است و شعبه تجدیدنظر آن را نقض می‌نماید:** خود شعبه وارد رسیدگی مجدد شده و رأی شایسته صادر می‌نماید. این رأی (حکم - قرار) قطعی است.

حالت دهم - شعبه تجدیدنظر جز سهو قلم، ایراد و اشکال دیگری را ملاحظه نمی نماید: ضمن اصلاح سهو قلم، رأی بدوی را تأیید می نماید. این رأی قطعی است.

حالت یازدهم - شاکی دادخواست تجدیدنظرخواهی خود را ساقط نماید یا از دعوای تجدیدنظر به طور کلی انصراف دهد: قرار سقوط شکایت صادر میگردد (الحاقی ۱۴۰۲)

۱- از رأی صادره تجدیدنظر شده است: اعلام اشتباه از سوی قاضی عملاً اثری ندارد.

۲- پرونده به هر علتی به شعبه تجدیدنظر نرفته است: رئیس دیوان با اعلام اشتباه از سوی قاضی صادر کننده رای، پرونده را جهت بررسی به یکی از شعب تجدیدنظر ارسال می نماید. شعبه مزبور تصمیم مقتضی را میگیرد.

۱- شرط اعلام اشتباه: اگر رسیدگی با سه قاضی بوده ۲ قاضی و اگر رسیدگی با دو قاضی بوده، یکی از آنها اشتباه را قبول نمایند.

۲- اثر اعلام اشتباه: رئیس دیوان عدالت اداری، رسیدگی مجدد به پرونده را به یکی از شعب دیگر نکته: صدور حکم اصلاحی در مورد سهو قلم یا اشتباه محاسبه تجدیدنظر لا یکلم اراکمه تو ملیط. شعبه صادرکننده رای انجام می شود، از موارد بالا نیست و توسط خود قاضی صادر کننده رای انجام می گیرد (ماده ۷۶).

نکته: در صورتی که رای بر مبنای اتفاق نظر نباشد، نظر اقلیت نیز در پیش نویس رای درج می شود و به امضای آنان می رسد و در پرونده بایگانی می گردد (ماده ۷۷).

"رأی خلاف شرع بین در دیوان عدالت اداری"



۱- آرا قابل بررسی: تمامی آرای حقوقی و کیفری، اعم از احکام یا قرارها دیوان عالی کشور سازمان قضائی نیروهای مسلح، دادگاههای تجدید نظر و بدوی، دادسراها و شوراهای حل اختلاف.

۲- مرجع تشخیص: رئیس قوه قضائیه

۳- جهت تشخیص: رأی خلاف شرع بین باشد.

۴- مرجع رسیدگی مجدد: شعب خاص دیوان عالی کشور که توسط رئیس قوه قضائیه تعیین گردیده است.

۱- نظام حاکم بر

دادرسی های مدنی

و کیفری ( ماده

۴۷۷ ق.آ.د.ک)

رأی خلاف

شرع بین

۱- آرا قابل بررسی: تمامی آرای قطعی شعب بدوی یا تجدیدنظر دیوان اعم از حکم یا قرار.

۲- مرجع تشخیص: رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان عدالت اداری.

۳- جهت تشخیص: رأی خلاف شرع بین یا خلاف قانون باشد.

۲- نظام حاکم بر

دادرسی های دیوان

عدالت اداری (ماده

۷۹)

۱- رأی از شعبه تجدیدنظر

صادر شده است: به شعبه

همعرض صادر کننده رأی ارجاع

می گردد

۴- مرجع رسیدگی مجدد:

۲- رأی از شعبه بدوی صادر

شده است: به یکی از شعب

نکته: اختیار تجویز رسیدگی مجدد به اعتبار خلاف شرع یا قانون بودن تنها برای یکپارچگی و انسجام نظر ارجاع می گردد.

نکته: در صورت اعلام خلاف بین شرع یا قانون بودن رأی، توسط رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان، اجرای حکم تا صدور رأی مجدد، متوقف می شود (تبصره ماده ۷۹ الحاقی ۱۴۰۲)

نکته: در صورتی که رأی صادره خلاف شرع بین یا قانون تشخیص داده شود رسیدگی مجدد در شعبه همعرض خارج از نوبت خواهد بود.

## "رسیدگی در هیات عمومی دیوان عدالت اداری"

### رسیدگی در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

- ۱- تشریفات رسیدگی: تقدیم درخواست کافی است.
- ۲- مرجع تقدیم درخواست: دفتر هیات عمومی دیوان عدالت اداری.
- ۳- مدیر دفتر هیات عمومی، درخواست را به نظر رئیس دیوان می‌رساند. درخواست در نوبت رسیدگی قرار می‌گیرد.
- ۴- مدیر دفتر یک نسخه از درخواست را به مرجع که ابطال مصوبه آن تقاضا شده است ارسال می‌نماید. مرجع مزبور یک ماه از تاریخ ابلاغ فرصت دارد تا نسبت

**نکته:** در مواردی که به تشخیص رئیس دیوان، رسیدگی به دادخواست ابطال مصوبه موضوعاً منتفی باشد، مانند موارد استرداد دادخواست از سوی متقاضی با وجود رأی قبلی دیوان در مورد مصوبه مورد شکایت و یا در مواردی که موضوع مورد شکایت مشمول عنوان آیین نامه‌ها، نظامات و مقررات موضوع ماده (۱۲) این قانون نباشد، از قبیل نظرات مشورتی، ابلاغیه مصوبات و یا شکایت از قانون، **رئیس دیوان قرار رد دادخواست** صادر می‌کند. این قرار قطعی است.

**نکته:** در صورتی که شکایت از تصمیمات موردی به هیأت عمومی ارجاع شده یا توسط شعبه قرار عدم صلاحیت به شایستگی رسیدگی در هیأت عمومی صادر شده باشد، پرونده توسط رئیس دیوان به یکی از شعب دیوان ارجاع می‌شود. در این صورت شعبه مکلف به رسیدگی است (ماده ۸۵ اصلاحی)

**نکته:** پس از صدور نظریه شورای نگهبان مبنی بر مغایرت مصوبه با شرع، تقاضای استرداد دادخواست قابل پذیرش نیست و به موضوع، رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌شود (تبصره الحاقی ۱۴۰۲).

**نکته:** در صورت تقاضای استرداد دادخواست، چنانچه رئیس دیوان مصوبه را خلاف شرع یا قانون تشخیص دهد، رسیدگی به موضوع با درخواست رئیس دیوان ادامه می‌یابد (تبصره الحاقی ۱۴۰۲).

**نکته:** در مواردی که آیین‌نامه و مصوبه مورد شکایت، مرکب از مواد یا بندهای متعدد باشد دادخواست دهنده باید هر یک از مواد یا اجزائی که ادعای مغایرت آن را با قانون یا موازین شرعی نموده است، مشخص کند. (تبصره الحاقی ۱۴۰۲)

**نکته:** هر گاه جهت درخواست ابطال مصوبه، مغایرت با موازین شرع باشد، رئیس دیوان مطابق ماده (۸۷) این قانون، از شورای نگهبان استعلام می‌کند (تبصره الحاقی ۱۴۰۲)

**شرایط دادخواست تقدیمی به هیات عمومی:**

- الف - مشخصات و اقامتگاه دادخواست دهنده
- ب - مشخصات مصوبه مورد اعتراض
- پ - حکم شرعی یا مواد قانونی که ادعای مغایرت مصوبه با آن شده
- ت - دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب کننده
- ث - امضاء یا اثر انگشت دادخواست دهنده

**نکته: ضمانت اجرای شرایط دادخواست:**

- ۱- در مورد بند(الف) ظرف پنج روز قرار رد دادخواست صادر می نماید.
- ۲- در مورد بند(ث) مطابق ماده(۲۸) این قانون عمل می نماید.
- ۳- در سایر موارد با ذکر جهات نقص، اخطاریه صادر و متقاضی مکلف است **ظرف ده روز** پس از ابلاغ، نسبت به رفع نقص اقدام کند. در غیر این صورت، قرار رد دادخواست صادر می شود. این قرار، قطعی است.

**مکانیسم بررسی مصوبات در کمیسیون های تخصصی**

ترکیب: حداقل ۱۵ نفر از قضات

رسمیت جلسات: منوط بر حضور دو سوم اعضا

- ۱- نظر اکثریت مطلق اعضای کمیسیون (بیشتر از نصف از اعضا) مبنی بر ابطال مصوبه است: پرونده با نظر مثبت کمیسیون مبنی بر ابطال به هیات عمومی دیوان ارجاع می شود

۲- در صورتی که نظر سه چهارم اعضای هیات تخصصی بر

مکانیسم بررسی  
در کمیسیون های  
تخصصی

تصمیم کمیسیون  
تخصصی

الف- اعتراض بشود:

پرونده به هیات عمومی  
با نظر منفی کمیسیون  
مبنی بر ابطال به هیات  
عمومی ارجاع می شود

ب- اعتراض نشود:

رای به رد شکایت قطعی  
میگردد و موضوع به  
پایان می رسد.

۳- نظر کمتر از سه چهارم مبنی بر رد شکایت است: پرونده  
با نظر منفی اعضای کمیسیون مبنی بر رد شکایت و بدون نیاز به  
اعتراض به صحن هیات عمومی می رود

نکته: تصمیمات هیاتهای تخصصی بلافاصله به اطلاع قضات دیوان می رسد.

۱- هرگاه فقط ادعای غیرشرعی بودن مصوبه شده باشد: رئیس دیوان پس از تبادل  
لوايح با طرف شکایت موضوع را با اسناد به شورای نگهبان ارسال و نظر شورای نگهبان  
در خصوص شرعی یا غیرشرعی بودن مصوبه برای هیأت عمومی لازم الاتباع است.

ارتباط دیوان عدالت  
اداری با شورای  
نگهبان برای کسب

۱- مصوبه به سایر جهات ابطال شود: دیگر

نیازی به استعلام از شورای نگهبان نیست.

۲- مصوبه به سایر اسباب قابل ابطال

نباشد: رئیس دیوان عدالت اداری موضوع را

جهت تعیین تکلیف به شورای نگهبان ارسال

می‌نماید. نظر شورای نگهبان بر هیات عمومی

در این خصوص لازم الاتباع است.

۲- ادعای غیرشرعی بودن در

کنار سایر جهات مطرح شده

است: ابتدا به سایر جهات در خود

هیات عمومی رسیدگی می‌گردد

**نکته:** فقهای شورای نگهبان می‌توانند برای انجام وظایف خود از حیث بررسی مغایرت یا عدم مغایرت مقررات با شرع،

ترتیباتی را برای رسیدگی مقرر و ساختارهای مناسب را ایجاد کنند (الحاقی ۱۴۰۲)

**نکته:** چنانچه فقهای شورای نگهبان رأساً مغایرت شرعی مصوبه‌ای را به رئیس دیوان اعلام نمایند، هیات عمومی مطابق

نظر فقهای شورای نگهبان نسبت به ابطال مصوبه اقدام می‌کند.

۱- شرط رسیدگی مجدد: یکی از این سه مقام رای صادره را اشتباه یا مغایر

قانون تشخیص دهند: ۱- رئیس قوه قضائیه ۲- رئیس دیوان عدالت اداری ۳-

بیست نفر از قضات دیوان.

رسیدگی مجدد هیات  
عمومی نسبت به آرای  
که قبلاً رسیدگی کرده  
است

۲- واکنش هیات عمومی:

الف- هیات عمومی تشخیص مقامات را وارد بداند: رای صادره را نقض کرده  
رای جدید صادر می‌نماید.

ب- هیأت عمومی تشخیص مقامات را وارد ندارند: رای هیات عمومی به اعتبار  
خود باقی می‌ماند.

**نکته:** در صورتی که آراء هیات عمومی دیوان از سوی رئیس قوه قضائیه خلاف موازین شرع تشخیص داده شود، هیات  
عمومی باتوجه به نظر رئیس قوه قضائیه تجدیدنظر می‌نماید (ماده ۹۴)

**نکته:** پس از صدور رأی وحدت رویه یا ایجاد رویه، چنانچه رئیس دیوان تشخیص دهد دستگاه اجرائی ذیربط از اجرای  
مفاد آن خودداری نموده و این امر منجر به طرح شکایات جدید در دیوان شده است، ابتدا به مقام مسئول در دستگاه  
اجرائی اخطار می‌نماید، ظرف مهلت مقرر نسبت به اجرای رأی صادره اقدام و تدابیر لازم را به عمل آورد. در صورت عدم  
اقدام، مقام اداری متخلف مستنکف، محسوب و مشمول حکم مقرر در ماده (۱۱۲) این قانون می‌شود.

**نکته:** صدور رأی اصلاحی و رفع ابهام از آراء و تصمیمات عمومی دیوان برعهده هیأت عمومی و نسبت به آراء و تصمیمات  
هیأت‌های تخصصی بر عهده خود آنها می‌باشد (اصلاحی ۱۴۰۲)

**نکته:** کلیه آرای هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی در پایگاه الکترونیکی دیوان و روزنامه رسمی منتشر می‌شود (تبصره  
الحاقی)

اعاده دادرسی:

۱- جهات اعاده دادرسی از احکام قطعی دیوان عدالت اداری:

- در مورد احکام قطعی به جهات ذیل می‌توان دادخواست اعاده دادرسی تقدیم نمود:
- الف - حکم، خارج از موضوع شکایت صادر شده باشد.
  - ب - حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد.
  - پ - در مفاد حکم، تضاد وجود داشته باشد.
  - ت - حکم صادر شده با حکم دیگری در خصوص همان دعوی و اصحاب آن، که قبلاً توسط همان شعبه یا شعبه دیگر صادر شده است متعارض بوده بدون آن که سبب قانونی موجب این تعارض باشد.
  - ث - حکم، مستند به اسنادی باشد که پس از صدور، جعلی بودن و یا عدم اعتبار آنها به موجب حکم مراجع صالح قانونی ثابت شده باشد.
  - ج - پس از صدور حکم، اسناد و دلایلی به دست آید که دلیل حقانیت درخواست‌کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و دلایل یادشده در جریان دادرسی در اختیار وی نبوده است.

۱- آرای قابل اعاده دادرسی: احکام قطعی صادره از شعب دیوان

۲- هزینه دادرسی: برابر با هزینه دادرسی تجدیدنظر

۳- مرجع رسیدگی: شعبه صادرکننده رای قطعی

۴- مهلت اعاده دادرسی:

الف- در مورد بندهای «الف» تا «پ» ماده (۹۸) این قانون، بیست روز از تاریخ ابلاغ رای شعبه

ب- در خصوص بندهای «ت» تا «ج» ماده (۹۸) این قانون، بیست روز از زمان حصول سبب اعاده دادرسی

تشریفات و قواعد

اعاده دادرسی

**نکته:** هرگاه شعبه دادخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد، حکم مورد تقاضای اعاده دادرسی را نقض و حکم مقتضی صادر می‌نماید. در صورتی که دادخواست اعاده دادرسی راجع به قسمتی از حکم باشد، فقط همان قسمت نقض یا اصلاح می‌گردد.

**نکته:** چنانچه جهت دادخواست اعاده دادرسی، مغایرت دو حکم باشد، شعبه رسیدگی کننده پس از قبول اعاده دادرسی، حکم دوم را نقض می‌نماید و حکم اول به قوت خود باقی می‌ماند.

**نکته:** حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می‌گردد، قابل اعاده دادرسی مجدد از همان جهت نیست.

**نکته:** در اعاده دادرسی به هیچ عنوان شخص دیگری غیر از طرفین دعوی، وکیل یا قائم مقام و یا نماینده قانونی آنان، نمی‌تواند وارد دعوی شود.